

تبیین مفهوم انضباط گفتاری در قرآن و استخراج دلالت‌های ضمنی آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان

دکتر سهراب مروتی* دکتر سید محمد رضا حسینی نیا** فاطمه سیفعلی‌ئی***

چکیده

آماده‌سازی دانش آموزان برای ورود به اجتماع و برقراری ارتباطات اجتماعی مطلوب یکی از مهمترین وظایف آموزش و پرورش و گفتگو یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری و استمرار ارتباطات اجتماعی است. هدف این پژوهش تبیین مفهوم انضباط گفتاری در قرآن و استخراج دلالت‌های آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان است. روش پژوهش تحلیلی است. جامعه پژوهش، تمام آیات قرآن کریم و نمونه آماری آیات شاخص و اصلی قرآن در موضوع گفتار می‌باشد. در این پژوهش با مراجعه به تفاسیر و تدبر در آیات، ابتدا تمامی گزاره‌های گفتاری و سپس آیات شاخص گفتاری به طور هدفمند استخراج و با تحلیل محتوای آیات و طبقه‌بندی موضوعی آن‌ها به طور همزمان و پیوسته به سنجش نقطه تمرکز و جهت‌گیری آیات و توضیح نتایج حاصل از آن پرداخته شده است. سپس مفهوم انضباط گفتاری در قرآن در چهار رکن اصلی (مبانی، مقدمات، الزامات و موانع) در چارچوب شبکه مفهومی مطرح و دلالت‌های آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تبیین، انضباط گفتاری، قرآن، دلالت، تربیت گفتاری، یادگیرندگان

انسان دارای ویژگی حکمت و دانایی است؛ آنچه انجام می‌دهد، سخنی که می‌گوید و پاسخی که می‌دهد در پی هدف و یا اهدافی است. در گفتار انسان ویژگی حکمت و هدفمندی نهفته است. هر اندازه هوشمندی و دانایی فردی بیشتر و بهتر باشد، نظم و ترتیب نوشته‌ها و یا گفته‌هایش معنادارتر و هدفمندتر است. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۷۶). زبان فرد عاقل و دانا پشت قلب اوست و قلب احمق و نادان پشت زبان او. این سخن گهربار نشان از آن دارد که سخنان عاقل پس از حکمت سنجی‌های قلب (اندیشه) بیان می‌شود. آنچه بر صفحه روح انسان نقش می‌بندد، قبل از هر چیز بر صفحه زبان و در لابلای گفته‌های او ظاهر می‌شود و در یک کلام گفتار آدمی بیانگر شخصیت اوست.

آدمی مخفی است در زیر زبان

این زبان، پرده است در گاه دهان

چون که بادی، پرده را در هم کشید

سَرِّ صَحْنِ خَانه شد بر ما پدید

از سوی دیگر آدمی، در مسیر تکامل است و برای رسیدن به کمال، باید در پرتو عقل، از کوتاه‌ترین راه بهره جوید تا به هدف خویش دست یابد. در این مسیر، نظم و انضباط کوتاه‌ترین و بی‌خطرترین راه است. قرآن نیز کتاب نظم الهی است. آیات قرآن سراسر بیانگر برنامه‌هایی نظام‌مند برای سامان یافتن ابعاد مختلف زندگی بشر است. همچنین آیات بسیاری وجود دارد که جلوه‌هایی از نظم و انضباط در مجموعه هستی و زندگانی انسان را به تصویر کشیده و بر آن پای فشرده است. از جمله: نظم شگفت و محیرالعقولی که در همه مخلوقات، حرکت سیاره‌ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرائی، بدن انسان، گردش خون و... وجود دارد: *إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (القمر، ۴۹)*؛ حدود و احکام اشاره شده در قرآن برای سامان یافتن زندگی انسان: *تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (البقره، ۲۲۹)*. این است حدود الهی؛ پس از آن تجاوز مکنید، و کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند ستمکارانند؛ زمان‌بندی دقیق عبادات: *وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ (هود،*

۱۱۴): و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار. گفتار یکی از مهمترین توانایی‌های آدمی و در حد اعلای آن، فصل ممیز انسان و حیوان است و در بهبود ارتباطات اجتماعی انسان نقش محوری ایفا می‌نماید. زبان مهمترین وسیله ارتباطی است و پیام‌های ارتباطی عمدتاً از طریق زبان رد و بدل می‌شود. نداشتن نظم و انضباط در گفتار مشکلات ارتباطی بسیاری را به وجود می‌آورد. اکثر دلخوری‌ها، ناراحتی‌ها، رنجش‌ها و مشکلات ارتباطی به خاطر بی‌توجهی به گفتار و عدم انضباط گفتاری است. داشتن الگویی برای گفتار و عمل براساس آن، تا حدود زیادی می‌تواند به سامان بخشیدن گفتار و در نتیجه سامان بخشیدن به روابط انسانی کمک نماید. قرآن برای سخن گفتن آداب و نیز آفاتی را بیان می‌کند و هدف از بیان این آداب، ایجاد و پرورش نظم و انضباط در گفتار، و نهایت بهره‌مندی از این نعمت الهی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: بهترین ادب‌ها آن است که انسان در مقابل حد و مرز خویش توقف نماید و از مرز و اندازه‌اش پا فراتر ننهد. در نظام گفتاری قرآن به خوبی این حد و مرزها مشخص شده است و شناخت آن می‌تواند مدل و الگوی عملی آموزش و پرورش برای دستیابی به اهداف انضباطی قرار گیرد.

مدل به معنی دلالت‌کننده، راهنما (معین، ۱۳۷۵، ج ۵: ۵۷۴۵۶)؛ طرح یا نمونه‌ای که چیزی را از روی آن می‌سازند و الگو (عمید، ۱۳۵۷: ۸۲۴) می‌باشد. استفاده از مدل ضرورتی است برای یک بررسی منظم. به کمک مدل‌ها می‌توان نشان داد که نظریه‌ها در عمل چگونه کار می‌کنند (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶: ۵۸۸). بر همین اساس مدل تربیتی به معنای طرح و الگویی است که راهنمای مریبان برای دستیابی به اهداف تربیتی قرار می‌گیرد. مدل تربیتی در این نوشتار الگویی است براساس آیات قرآن، جهت راهنمایی مریبان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، برای پرورش انضباط گفتاری در دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی.

«انضباط گفتاری» ترکیبی بدیع و نو، ناظر بر نظم و انضباط در حوزه گفتار است؛ که از کلام امیرالمؤمنین علی (ع): «احسن الکلام ما زانه حسن النظام» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۴۰۴۶): زیباترین گفتار، آن است که نظم نیکویش آن را زینت بخشیده است، استخراج شده است.

برای مفهوم‌شناسی انضباط‌گفتاری ابتدا باید منظور از واژه انضباط روشن گردد. «انضباط» از واژه «ضبط» به معنی «خوب حفظ کردن» گرفته شده و به معنای خویشتن را خوب حفظ کردن است (لوئیس، ۱۳۸۷: ۱۱۴) سامان گرفتن، بنا شدن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن، پیوستگی و مضبوطی (رامپوری، ۱۳۹۳: ۴۲۷)، نظم و انتظام و ترتیب، درستی و عدم هرج و مرج، سامان‌پذیری و آراستگی، انضباط داشتن، منظم بودن، انتظام داشتن و درستی در کار داشتن از دیگر معانی انضباط می‌باشد (نفیسی، ۱۳۴۳، ۴۸۴).

بنابراین انضباط به معنی صحیح یعنی این که فرد شخصاً رفتار و اعمال خود را تحت نظم و قاعده درآورد، خویشتن را کنترل کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نماید. انضباط، راهنمای تمایلات و غرایز فطری به سوی هدفی ویژه است، و از رهگذر آن، فعالیت‌ها، رفتار و گفتار در ضابطه‌ای خاص در می‌آید و هرکس در می‌یابد که چگونه باید زندگی کند و چگونه از توانایی‌های خود به گونه شایسته بهره جوید.

نظم در گفتار، جلوه‌ای از نظم شخصی، در حوزه ارتباطی است. هر انسانی در میدان گفت و گو به صدها تابلوی باید و نباید برمی‌خورد که هر یک از آن‌ها بخشی از نظم گفتاری را رقم می‌زند. برای دست یافتن به این نظم باید دقت نمود که: چه بگوییم؟ چگونه بگوییم؟ کی بگوییم؟ و چه مقدار بگوییم؟. بنابراین انضباط گفتاری به زبان کنترل شده و سنجیده نظر دارد و کسی که انضباط گفتاری دارد زبان خود را حفظ می‌کند، گفتار خود را منطبق با ضوابط و اصول تنظیم نموده، در گفتار خود حدود را مراعات می‌کند و آراسته و قانونمند سخن می‌گوید. همین مساله ارتباطات اجتماعی را در زندگی فرد سامان بخشیده، به میزان زیادی مشکلات ارتباطی را کاهش داده و سبب رشد و بهبود روابط اجتماعی او می‌گردد.

لازم به ذکر است که انضباط مورد تأکید ما، انضباطی است که جهت و مسیر الهی داشته باشد و هیچ مانعی بر سر راه شکوفایی استعدادهای انسان ایجاد نکند.

به دلیل اهمیت فراوان گفتار در زندگی انسان به عنوان موجود اجتماعی؛ در تورات، انجیل و قرآن، گزاره‌های متعددی درباره گفتار بیان شده است. به همین تناسب در میان پیروان همه ادیان بر این موضوع تأکید شده و دانشمندان علم اخلاق

در کتب اخلاقی به طور مفصل بدان پرداخته‌اند. به دلیل اهمیت و توجه فراوان قرآن به گفتار و بیان چگونگی آن در آیات متعدد و نیز گفتگوهای قرآنی، این مسأله، همواره در تفسیر آیات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اثرات شگرف آن بیان شده است. قرآن پژوهان نیز گاهی درصدد احصاء آداب و آفات گفتگو و واکاوی گفتگوهای قرآنی برآمده‌اند. از جمله: گفتگو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو آیات و روایات، که در موضوع گفتار توسط معتمدی محمدآبادی (۱۳۹۷) با هدف تبیین کارکردهای تربیتی گفت‌وگو در ابعاد فردی و اجتماعی نگاشته شده، و در این زمینه از آیات و روایات مرتبط نیز استفاده نموده است. در این پژوهش ضمن مفهوم‌شناسی واژه «گفت‌وگو» و ارتباط آن با سایر مفاهیم مشابه، آداب و شرایط گفت‌وگوی مطلوب تشریح شده و در نهایت، آثار گفت‌وگو در بعد فردی و اجتماعی بررسی گردیده است. در بعد فردی، آثاری همچون گسترش شناخت و معرفت، پرورش تفکر نقاد، خودآگاهی و تقویت اعتماد به نفس؛ و در بعد اجتماعی سعه صدر، همدلی و هم‌اندیشی، و حصول وحدت و تفاهم (از طریق گفت‌وگوی بین نسلی، گفت‌وگوی تمدن‌ها و گفت‌وگوی ادیان) تبیین گردیده است. روحی‌برندقی (۱۳۹۷) در مطالعه خود با عنوان اخلاق گفتگو در قرآن و حدیث، که با روش تحلیل محتوا از نوع توصیفی - تحلیلی انجام داد نشان داد که کثر رفتاری‌هایی از جمله: نسبت جهل و نادانی و ناهمی به مخاطب، نسبت غلط به مخاطب، نسبت وسواس فکری به مخاطب، نسبت مشابهت با یهود به مخاطب، نسبت ویل و ویح به مخاطب، خندیدن به مخاطب و...، عمل ضد اخلاقی و برخلاف ادب اسلامی نیست. دیالمه و صالحی‌متعهد (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان مؤلفه‌های گفتگوی صحیح مبتنی بر گفتگوهای قرآنی، که با روش تحلیلی - تفسیری انجام شده، دریافتند که مؤلفه‌های به دست آمده برای کاربرد در ساختار گفتگوی تربیتی بدین گونه است: استفاده از ادبیات پرسشی به جای ادبیات خطابی، رعایت ادب جایگاهی، سخن گفتن در سطح فهم مخاطب، اعتمادسازی برای مخاطب در گفتگو، ژرف‌کاوی در جریان گفتگو، توجه به درخواست‌های معقول مخاطب، طلب شواهد برای مدعا، حاکمیت منطق در گفتگو، ساماندهی گفتگو در شرایط واقعی، تعمیق بخشی به باور مخاطب، اعطای فرصت طرح پرسش، آموزش غیرمستقیم، نیازسنجی مخاطب در گفتگو، استفاده از فن تشویق و تنبیه و به‌کارگیری

قضاوت‌های پسینی. صادق‌زاده‌قمصری، طلائی و صالحی‌متعهد (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن: واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن؛ که با روش تحلیلی - تفسیری صورت گرفته است، به هفت اصل به همراه روش‌های متناظر با هر کدام دست یافتند که این اصول عبارت است از: رویارویی استدلالی و منطقی، ارتقای سطح معرفتی متربی، ایجاد مشارکت، توجه به انگیزه، رویارویی واقع‌بینانه، به‌کارگیری انگیزه صیانت از نفس و یادآوری (تذکار). امین‌پور و امین‌پور (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن، که با روش تحلیلی - استنباطی انجام شده دریافت که آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی بر پایه گسترش امنیت و اعتماد متقابل در جامعه اسلامی سازمان یافته‌اند. از آنجایی که زبان از نمادهای معنا دار در ارتباطات انسانی است، آنچه به واسطه گفتار بین انسان‌ها مبادله می‌گردد، براساس انتقال معانی شکل می‌گیرد. به واسطه آداب گفتاری مطرح در قرآن، معانی مثبت اجتماعی به دیگران انتقال یافته، از انتقال معانی منفی پیشگیری می‌شود. ابروانی (۱۳۸۶) در مطالعه خود با عنوان آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و حدیث، که با روش تحلیل محتوا صورت گرفته، فراوانی، عناصر، عوامل و آسیب‌های ارتباط مؤثر، به ویژه آداب گفتگو را ارائه نموده است. این نوشتار پس از طرح نکاتی مقدماتی، مهمترین عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر، معیارهای سخن شایسته و موانع و آسیب‌شناسی ارتباط را ارائه نموده و در پایان، بخشی از آداب ویژه گفتگو با پدر و مادر، همسر، و فرزند با عنوان گروه‌های خاص و خودسازی و رشد شخصیتی، اندیشیدن پیش از سخن، تمرین و تکرار، باورهای دینی را با عنوان راهکارهای تحقق آن‌ها براساس آموزه‌های دینی بر نمایانده است.

بررسی‌ها و جستجوهای فراوان و مکرر در پایگاه‌های مختلف علمی و پژوهشی (پایگاه مقالات تخصصی نور، به عنوان بزرگترین بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی، پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، و گوگل)، با کلید واژه‌های مختلف که می‌توانست به انضباط گفتاری ربط داشته باشد، نشان داد که تاکنون تنها دو مدل گفتاری، با عناوین مدل‌سازی نوای گفتار در سیستم‌های سنتز گفتار فارسی و مدل‌سازی نوای گفتار کانونی در فارسی به نگرارش

درآمده است؛ که در حوزه تخصصی ادبیات فارسی بوده و با موضوع مقاله حاضر که موضوعی تربیتی قرآنی است کاملاً متفاوت است. پژوهش‌های انجام شده هر یک از زاویه‌ای به آیات گفتاری قرآن نگریسته و با هدفی خاص آیات را گردآوری نموده‌اند. از این رو سوالی که مطرح است این است که نقطه تمرکز، جهت‌گیری، نقش تربیتی شاخصه‌های انضباط گفتاری در ابعاد مختلف (گزاره برداشت شده) در آیات قرآن چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش برای دستیابی به هدف از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است. روش تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های مناسب در تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها است. تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل متن است. تفکر بنیادی آن عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها، و امثال آن‌ها برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۴: ۲۹). پیام‌هایی که از متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ بنابراین با تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورتی نظام‌مند است و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند. لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباط به منظور پاسخ دادن به این پرسش قدیمی در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). این پژوهش با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج شده از قرآن، جهت‌گیری و نقش هر کدام را بیان و چهارچوب حاکم بر آن‌ها را کشف می‌کند.

در این راستا با نگاه تفسیری به آیات قرآن کریم، ابتدا آیات شاخص گفتاری استخراج شده و نقش هر یک در ایجاد نظم و انضباط گفتاری بیان و در نهایت دلالت‌های تربیتی آیات استخراج و تبیین شده‌اند. مراحل انجام پژوهش بدین شرح است:

تلاوت کل قرآن همراه با تدبر، با دید موضوع محور، و کشف و استخراج گزاره‌های گفتاری موجود در آیات قرآن.

انتخاب آیات اصلی، ممتاز و شاخص در زمینه گفتار براساس مفهوم و تفسیر آیات (در این مرحله آیاتی که به اخلاق گفتگو پرداخته و می‌تواند زیر مجموعه آیات اصلی و شاخص باشد کنار گذاشته شده است، به عنوان مثال در قرآن از غیبت، تهمت، عیب‌جویی، تمسخر و... نهی شده است، و از گفتار گناه‌آلود نیز نهی شده است، از آنجا که همه موارد یادشده ذیل عنوان گناه‌آلود قابل دسته‌بندی است از آیات مذکور صرف نظر شده و تنها آیه قول اثم: گفتار گناه‌آلود، در جدول آمده است).

مراجعه به نرم افزار جامع التفاسیر و جستجو در تفاسیر آیات و استخراج پیام اصلی آیات (در مراجعه به تفاسیر، تفسیر خاصی مد نظر نبوده، با جستجو در نرم افزار جامع التفاسیر، تفاسیر مختلف مطالعه و مناسب‌ترین گزاره مرتبط با موضوع انتخاب شده است).

کشف جهت‌گیری هر یک از آیات با توجه به پیام و گزاره استخراج شده از تفاسیر، جهت شناخت و به‌کارگیری روش قرآن برای دستیابی به اولویتهای تربیتی.

کشف نقاط تمرکز آیات، براساس مفهوم و پیام استخراج شده از تفاسیر، جهت شناخت و به‌کارگیری در برنامه‌های تربیتی.

نامگذاری آیات و دسته‌بندی آنها براساس ارکان اصلی یک نظام (در این مرحله با توجه به مفاهیم و پیام استخراج شده از تفاسیر، آیات در چهار رکن: مبانی، مقدمات، الزامات، و موانع که ارکان اصلی یک نظام را تشکیل می‌دهند، نامگذاری و دسته‌بندی شده‌اند).

ترسیم ساختار نظام‌مند آیات قرآن کریم برای ایجاد انضباط گفتاری براساس نتایج تحقیق (منظور از ساختار نظام‌مند توجه آیات به هر چهار رکن اصلی یک نظام است که در این پژوهش به تفصیل توضیح داده شده است).

یافته‌های پژوهش

اهمیت بی‌ظنیر گفتار و نقش سرنوشت‌ساز آن در زندگی دنیوی و اخروی انسان، از مواردی است که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و برای نظم بخشیدن به آن شرایط و ضوابطی مقرر گشته است، تا در سایه عمل به آن، آدمی به نظمی در خور، و انضباطی شایسته دست یابد. گزاره‌های گفتاری قرآن کریم با فراوانی قابل توجه و

با مفاهیمی والا و بی‌نظیر ساختاری نظام‌مند و همه‌جانبه را برای دستیابی به نظمی شایسته در گفتار ترسیم نموده است.

برای آشنایی با نقطه نظر قرآن درباره انضباط گفتاری، ابتدا لازم است آیاتی که در آن‌ها به موضوع گفتار توجه نموده، شناسایی و بررسی گردد. به همین جهت جدولی ترسیم نموده و آیات گفتاری قرآن و گزاره برداشت شده از تفاسیر درباره آن را بیان می‌نمایم. از آنجا که این مقاله با هدف کاربردی‌سازی مفاهیم قرآنی و به طور خاص کاربردی‌سازی مفاهیم گفتاری قرآن برای ایجاد و پرورش انضباط گفتاری در دوره‌های رسمی و عمومی آموزش و پرورش صورت گرفته، نقطه تمرکز و جهت‌گیری هر یک از آیات، با توجه به پیام و گزاره استخراج شده، جهت شناخت و به‌کارگیری روش قرآن برای دستیابی به اولویت‌های تربیتی و برنامه‌ریزی مؤثر در آموزش و پرورش بیان می‌گردد. این دو ستون برحسب نیازهای تربیتی آموزش و پرورش عنوان‌بندی شده است. نقطه تمرکز بیان می‌دارد که قرآن برای تربیت و نظم بخشی به گفتار بر چه اهدافی متمرکز شده است. شناخت نقطه تمرکز آیات قرآن برای اولویت بخشی به برنامه‌های تربیتی لازم و ضروری است و نشان می‌دهد که کدام بخش از مسأله در کلام خدای تعالی از اهمیت بیشتری برخوردار است. جهت‌گیری آیات نیز بیانگر روشی است که خداوند برای ایجاد و پرورش انضباط گفتاری در انسان به کار گرفته است، و شناخت آن می‌تواند راهنمای عملی مریبان برای پرورش انضباط گفتاری در دانش‌آموزان باشد. برای مدل‌سازی تربیتی آیات نیز نیازمند فهم نقش تربیتی هر یک از آیات هستیم که به طور مجزا در جدول زیر نشان داده شده است.

تعداد آیات گزارش شده در جدول زیر ۳۲ آیه است که آیات اصلی و شاخص گفتاری است و از میان همه گزاره‌های گفتاری قرآن با توجه به تفسیر و مفهوم آیات انتخاب شده است. این آیات از آن جهت اصلی نامیده شده‌اند که سایر آیات گفتاری را پوشش می‌دهند. به عنوان مثال در آیات اصلی یکی از صفات مؤمنان راستین را اعراض از قول لغو می‌داند. قول لغو طیف وسیعی را شامل می‌شود و همه آیاتی که در قرآن بیانگر امور لغو می‌باشد را شامل می‌گردد. یا مثلاً در آیه ۱۱ سوره حجرات از تمسخر، عیب‌جویی، و خواندن دیگران با القاب زشت، به عنوان نمونه‌هایی از قول اثم، نهی شده است.

جدول ۱. معرفی آیات - گزاره‌های برداشت شده - نقطه تمرکز - جهت‌گیری و نقش تربیتی آنان

شماره آیه	متن آیه	گزاره برداشت شده (پیام آیه)	نقطه تمرکز	جهت‌گیری	نقش تربیتی
طه ۱۰۹	يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا	اثرگذاری گفتار	عقیدتی	انگیزشی	مبانی
ق ۱۸	مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ	ثبت و ضبط گفتار	عقیدتی	انگیزشی	مبانی
مائده ۱۰۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ	منع سخن و سؤال نابجا	فکری عملی	سلبی	موانع
نحل ۴۳	فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ	هر سخن جایی دارد، سؤال برای دانایی	فکری عملی	ایجابی	مقدمات
مومنون ۵۱	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... و الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ	پرهیز از لغو شرط ایمان و رستگاری	فکری عملی	انگیزشی سلبی	مقدمات
انعام ۱۲۱	إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَانِهِمْ لِيَجَادِلُوكَ	شیطانی بودن جدل	عقیدتی	انگیزشی	مقدمات
حج ۳۰	اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ	پرهیز از قول زور	فکری عملی	سلبی	موانع
مائده ۶۳	لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ	تشویق به نهی از سخن گناه‌آلود	فکری عملی	انگیزشی	موانع
البقره ۱۰۴	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَ قُولُوا نُظْرْنَا وَ أَسْمَعُوا	رعایت ادب در گفتار	فکری عملی	لا: سلبی قولوا: ایجابی	موانع مقدمات
البقره ۱۶۹	إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ	منشأ شیطانی گفتار جاهلانه	عقیدتی	انگیزشی	مبانی

(ادامه) جدول ۱.

شماره آیه	متن آیه	گزاره برداشت شده (پیام آیه)	نقطه تمرکز	جهت‌گیری	نقش تربیتی
النساء ۹۴	لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا	نهی از سخن نسنجیده	فکری عملی	سلبی	موانع
النساء ۱۷۱	لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ	منع از سخنان ناحق	فکری عملی	سلبی	موانع
الأعراف ۳۳	إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ... وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ	حرام بودن سخنان جاهلانه	عقیدتی	انگیزشی	مقدمات
الصف ۳	كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ	مورد خشم بودن گفتار بدون عمل	عقیدتی	انگیزشی	مقدمات
الأنعام ۱۵۲	إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا	تشویق به تعادل در سخن	فکری عملی	ایجابی	مقدمات
الأحزاب ۴	وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ	حق گویی الله	عقیدتی	انگیزشی	مبانی
ص ۸۴	وَ الْحَقُّ أَقُولُ	تشویق به حق گویی	عقیدتی	انگیزشی	مبانی
طه ۴۴	فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ	تشویق به لینت کلام لینت شرط تأثیر	فکری عملی	ایجابی	مقدمات
آل عمران ۱۵۹	فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَتَفَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ	نرم گفتاری رمز جلب قلوب	عقیدتی	انگیزشی	مقدمات
احزاب ۷۰	اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا	تشویق به گفتار سالم و بدون نقص	فکری عملی	ایجابی	الزامات

(ادامه) جدول ۱.

شماره آیه	متن آیه	گزاره برداشت شده (پیام آیه)	نقطه تمرکز	جهت‌گیری	نقش تربیتی
اسراء ۲۸ و ۱۷	فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا	تشویق به ملایمت در گفتار	فکری عملی	ایجابی	الزامات
ص ۸۶	وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ	عدم تکلف در گفتار	عقیدتی	انگیزشی	مقدمات
بقره ۲۳۵	وَ أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا	تشویق به گفتار نیک	فکری عملی	ایجابی	الزامات
احزاب ۳۲	وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا	تشویق به گفتار نیک	فکری عملی	ایجابی	الزامات
نساء ۸ و ۵	قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا	تشویق به گفتار نیک	فکری عملی	ایجابی	الزامات
اسراء ۲۳	فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفَّ	پرهیز از تندى	عملی	سلبی	موانع
اسراء ۲۳	وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا	تشویق به گفتار کریمانه	فکری عملی	ایجابی	الزامات
بقره ۸۳	وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا	تشویق به نیک گفتاری	فکری عملی	ایجابی	الزامات
اسراء ۵۳	وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ	تشویق به نیکوترین گفتار	فکری عملی	ایجابی	الزامات
نساء ۶۳	وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا	تشویق به بلاغت سخن	فکری عملی	ایجابی	الزامات
المائده ۸۵	فَأَتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ	تأثیر گفتار	اعتقادی	انگیزشی	مبانی
لقمان، ۱۹	وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ	تشویق به صدای آرام	عملی	ایجابی	الزامات

در ستون نقطه تمرکز، توجه و رویکرد آیات به هر یک از ابعاد گفتاری مورد توجه قرار گرفته است. در این ستون قصد بر آن بود که تنها به دو مقوله اعتقاد و عمل به عنوان دو رکن اصلی رفتارهای انسانی پرداخته شود، اما از آنجا که بسیاری از مشکلات و بی‌نظمی‌ها در گفتار افراد معتقد و متدین به دلیل بی‌توجهی و عدم تفکر و اندیشه است، نقطه تمرکز سومی بدان افزوده شد، تا بیان کند که تنها با اعتقاد، هر چند راسخ و استوار، نمی‌توان در مرحله عمل موفق بود. برای موفقیت در عمل، عزمی جدی و نیز اندیشه‌ای پویا و فعال نیاز است. فرد معتقد، قبل از باز نمودن زبان، باید فکر و اندیشه خویش را به‌کار گیرد و از هماهنگی سخن و کلام خویش با اعتقادات و باورهایش مطمئن شود. آنگاه می‌تواند زبان گشوده و مقصد و مقصود خویش را بیان کند. فکر و اندیشه در فرهنگ و اندیشه اسلامی و قرآنی پیش‌نیاز و مقدمه هر کردار و گفتاری است. کلام بی‌فکر، حتی از سوی فرد مومن و معتقد، می‌تواند خسارت‌ها به بار آورده و حتی اعتقادات فرد را زیر سؤال برد. پس برای ایجاد انضباط گفتاری بیش از هر چیز، به تفکر در چرایی و چگونگی، و نتایج و عواقب کلام خویش نیازمندیم.

برای بیان نقش تربیتی (نقشی که آیات در تربیت گفتاری فرد ایفا می‌نماید) تلاش شده مهم‌ترین و بدیهی‌ترین برداشت از آیات مورد توجه قرار گیرد (آنچه مفسران بر آن اتفاق نظر دارند)، اما با توجه به معانی عمیق و بطون آیات، برداشت‌های متفاوت از معنا و مقصود خدای تعالی می‌تواند نقش‌های هدایتی دیگری برای آیه به ذهن متبادر سازد، تا جایی که می‌توان برای برخی آیات هر چهار نقش تربیتی (اصول و مبانی، مقدمات، الزامات و موانع) را که لازمه یک نظام جامع و کامل است، در نظر گرفت.

سنجش فراوانی نقطه تمرکز آیات گفتاری قرآن

جهت سنجش فراوانی نقطه تمرکز آیات، تعداد آیاتی که در جدول تحلیل محتوا در دسته‌های سه‌گانه نقطه تمرکز (فکری، عقیدتی، و عملی) با توجه به گزاره برداشت شده و پیام آیه استخراج شده بود شمارش شده، و به صورت درصدی در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۲. سنجش فراوانی نقطه تمرکز آیات گفتاری قرآن

نقطه تمرکز	تعداد گزاره‌های تمرکزی	درصد
عقیدتی	۱۱	۲۲
عملی	۲۱	۴۱
فکری	۱۹	۳۷
مجموع	۵۱	۱۰۰

علت این که مجموع گزاره‌های تمرکزی ۵۱ گزاره است، در حالی که تعداد آیات استخراجی ۳۲ آیه گزارش شده، آن است که فکر و عمل همواره همدوش یکدیگر بوده و هر عملی برای اجرایی شدن لاجرم از فکر و اندیشه فرد می‌گذرد. در حالت عادی هیچ عملی بی‌اختیار و بدون فرمان مغزی صورت نمی‌گیرد. بر همین اساس چنانچه در جدول مشاهده می‌شود برخی آیات بر دو جنبه رفتاری تمرکز داشته و گاهی دو گزاره در دو فراز از آیه قابل استنباط بوده است.

بر اساس آمار به دست آمده از جدول تحلیل محتوا (جدول ۱) نقطه تمرکز آیات بر جنبه عملی، با فراوانی ۵/۴۲، بیش از سایر جنبه‌هاست؛ و این امری کاملاً معقول و منطقی است؛ چرا که گفتار هر چند از فکر و اندیشه آدمی نشأت می‌گیرد، اما در عمل بروز می‌کند و چهره خود را نمایان می‌سازد. تا اندیشه به زبان نیاید اثر ارتباطی چندانی ندارد، وقتی به زبان آمد و لباس گفتار پوشید، اثرات اجتماعی نمایان‌تری پیدا می‌کند، پس توجه به جنبه عملی آن نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

پس از جنبه عملی، نقطه تمرکز بر جنبه فکری با فراوانی ۵/۳۸ متمرکز است. اولویت جنبه عملی بر جنبه فکری به این جهت است که تا فکر به زبان نیاید، نمود ظاهری ندارد. به محض این که فکر به زبان آمد و نمود ظاهری پیدا کرد، اهمیتی چند برابر پیدا می‌کند. در واقع آن چیزی که رابطه‌ها را شکل می‌دهد گفتاری است که بر زبان جاری می‌گردد؛ هر چند از افکار و اندیشه انسان سرچشمه می‌گیرد. فکر و اندیشه از آن جهت که منبع و منشأ عمل است مورد توجه است. فکر آدمی به هر سمت که بچرخد، عمل نیز به همان سمت خواهد چرخید. کوچکترین تغییر در فکر فرد، در رفتار و گفتار او تأثیر گذاشته و روح گفتار را دگرگون می‌سازد. به گفته

چامسکی، زبان‌شناس آمریکایی جمله‌ها پیش از این که بر زبان جاری شوند در مغز انسان برحسب معانی خود ظاهر می‌شوند، که آن را ساختار عمیق می‌نامند و آنگاه ساختار عمیق به یک ساختار ظاهر که همان شکل خاص مورد نظر است منتقل می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۳۹). برخی بر این باورند که انسان با سخن گفتن فکر می‌کند. هر چند که این سخن‌گویی درونی است، ولی شکلی از سخن گفتن است. از این روست که اندیشیدن را به معنای سخن گفتن دانسته‌اند و فلاسفه و علمای دانش منطق عنوان نطق و سخن گفتن را به معنا و مفهوم تفکر دانسته و از انسان عاقل و خردمند به ناطق تعبیر کرده و گفته‌اند: انسان حیوان ناطق است.

بنابراین تفکر و اندیشه بر گفتار تأثیر بسزایی دارد. تأثیری که آن را پا به پای عمل، مهم و با اهمیت می‌سازد. اهمیت تفکر و اندیشه را در سه محور می‌توان دسته‌بندی کرد: اول: روحی که فکر و نیت در گفتار و رفتار فرد می‌دمد، و همان روح سبب دلنشینی و یا اشمئزاز طرف مقابل می‌شود. دوم: تفکری که برای درک و فهم نیکویی و یا زشتی عمل به تکاپو می‌افتد. و سوم: تفکری که چگونگی بیان و ادای کلمات را در گفتار مشخص می‌کند. فکر زیبا و اندیشه مثبت انرژی مثبت منتقل کرده و رابطه را استحکام می‌بخشد و فکر خبیث و اندیشه منفی، سبب انتقال انرژی منفی و در نتیجه نابودی روابط می‌گردد. همین فکر برای درک درست از اوضاع و انتخاب بهترین پاسخ به کار می‌افتد و در نهایت تک‌تک کلمات در ذهن فرد برای گفتگویی ثمربخش انتخاب می‌شوند. عدم تفکر و اندیشه در هر بخش خسارت بار است. آنکه درست بیندیشد مسالمت و ادب و احترام در گفتار را برمی‌گزیند و اگر فکر دچار اختلال و اشتباه شود، زبان نیز به اشتباه می‌افتد. فکر مسموم و فاسد، زبان را مسموم و تباه می‌سازد و زمینه گفتار نیک را می‌خشکاند و فکر آرام و سالم، زمینه آرامش و سلامت گفتار را فراهم می‌سازد.

در مرحله سوم و تنها ۲۰٪ از تمرکز آیات گفتاری قرآن بر مسائل عقیدتی است؛ و این نکته‌ای بسیار در خور توجه است. و نشان می‌دهد تنها با عقیده و باور، نمی‌توان به انضباط گفتاری دست یافت. عقیده، اگر عزم و اندیشه‌ای جدی به همراه نداشته باشد، تنها کلماتی است در عالم ذهن، و گاهی لقلقه‌ای است بر زبان! تأکید فوق العاده قرآن کریم بر عمل، به خوبی این مسأله را تأیید می‌کند. در هیچ جای قرآن از ایمان

به تنهایی سخن به میان نیامده است. هر جا ایمان هست بلافاصله عمل صالح وجود دارد و این، علاوه بر این که منشأ عمل صالح را به خوبی بیان می‌کند، نشانگر نقصان ایمان منهای عمل است. یعنی عقیده، تا وقتی که فقط عقیده است، نمی‌تواند کمالی را برای انسان رقم زند. تنها زمانی که این عقیده با اراده‌ای محکم و عزمی استوار، در عمل نمود پیدا کرد، خیر و سعادت آدمی را تضمین خواهد نمود.

بنابراین در دوره‌های رسمی و عمومی آموزش و پرورش بیش از آن‌که به بیان مسائل و مباحث عقیدتی پرداخته می‌شود باید به اصلاح عمل و تقویت فکری دانش‌آموزان اهمیت داده شود. گفتار درست و رفتار درست به آن‌ها آموخته شود و با استدلال قوی، فکر آن‌ها در جهت صحیح و مسیر درست تربیت شود. با اصلاح و تربیت این دو، عقاید صحیح که خود حاصل تفکر عاقلانه است از درون فرد شکل خواهد گرفت. آنگاه جرعه‌ای کافیسست که متری را به سوی باورهای صحیح و عمیق رهنمون شود. آموزش عقاید، بدون پشتوانه فکری برای دانش‌آموزان نوعی جبر و تحمیل به شمار می‌رود که فطرت سلیم انسانی از آن گریزان است.

سنجش فراوانی جهت‌گیری آیات گفتاری قرآن

جهت سنجش فراوانی جهت‌گیری آیات، تعداد آیاتی که در جدول تحلیل محتوا در دسته‌های سه‌گانه نقطه تمرکز (انگیزشی، سلبی، و ایجابی) با توجه به گزاره برداشت شده و پیام آیه استخراج شده بود شمارش شده، و به صورت درصدی در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۳. سنجش فراوانی جهت‌گیری آیات گفتاری قرآن

درصد	تعداد گزاره‌های جهت‌گیری	جهت‌گیری آیات
۳۸	۱۳	انگیزشی
۲۱	۷	سلبی
۴۱	۱۴	ایجابی
۱۰۰	۳۴	مجموع

تفاوت مجموع گزاره‌های جهت‌گیری و مجموع آیات گزارش شده به دلیل استخراج دو جهت مختلف از دو آیه است، که مجموع گزاره‌ها را دو عدد بیشتر از تعداد آیات نشان می‌دهد (به ستون جهت‌گیری در جدول ۱ مراجعه نمایید).

ستون جهت‌گیری در واقع بیانگر روش قرآن برای نهادینه‌سازی انضباط گفتاری و فرهنگ‌سازی برای تحقق آن است. فراوانی جهت‌گیری شاخصه‌های گفتاری قرآن برای ایجاد نظم و انضباطی همه‌جانبه در گفتار، به خوبی نشان می‌دهد که قرآن کریم بیش از آن که به بیان موانع و امور سلبی پردازد، با دلایل متقن و منطقی، و بیان لوازم و مقدمات، در مخاطب ایجاد انگیزه نموده و او را برای رسیدن به هدف تشویق می‌نماید. اهمیت موضوع را با بیان اثرگذاری گفتار در سرنوشت آدمی به تصویر کشیده و ثبت و ضبط گفتار را به افراد یادآور می‌شود. با بیان حق‌گوییِ الله، به عنوان خالق و پروردگار مطلق، و بی‌تکلف بودن پیامبر (ص) به عنوان نمونه‌ای تمام‌عیار و انسانی کامل و جامع، به الگوسازی می‌پردازد. با بیان فواید و مزایای گفتار نیک و نیز معایب و مضرات جدال و مراء، در جلب نظر و همراهی مخاطب تلاش نموده، و سپس با روشن نمودن حد و حدود، و نیز بیان چهارچوب‌ها و بایدها و نبایدها تکلیف مخاطب را روشن می‌نماید و برنامه‌ای روشن و گویا در منظر چشمانش قرار می‌دهد؛ تا با نظر به آن‌ها و عمل براساس آن‌ها، با اراده‌ای محکم و استوار، به راحتی به هدف مورد نظر دست یابد. در بیان نکات سلبی و ایجابی نیز بیش از آنکه نبایدها را بیان نموده و منع و نهی نماید، به بیان بایدها و آنچه لازمه انضباط گفتاری است می‌پردازد و در ضمن بایدها، نبایدها را نیز به خوبی روشن می‌سازد. یعنی ضمن فرمان به قول معروف از قول منکر نهی می‌نماید و ضمن دستور به قول حق از قول ناحق نهی می‌نماید. بدین ترتیب آن‌چنان که شایسته یک برنامه کامل و جامع است، حق مطلب را ادا نموده و دستیابی به هدف را آسان می‌نماید. بنابراین جهت‌گیری قرآن برای نظم بخشیدن به گفتار، بیش از آنکه بازدارنده باشد، پیش‌برنده است و بیش از آنکه نهی‌کننده باشد، تشویق‌کننده است. با دقت بیشتر در بایدها و نبایدها نکته ظریف دیگری کشف می‌شود و آن این که در بیان جهات ایجابی و سلبی علاوه بر آن که با صراحت تکلیف مخاطب را روشن می‌کند، تشخیص موارد مورد نظر را به خود فرد واگذار

می‌کند. به عنوان مثال از قول زور نهی می‌کند و اجتناب از آن را بر مکلف لازم می‌شمرد، اما تشخیص زور بودن قول را به مخاطب واگذار می‌کند و یا به «قول معروف» امر کرده و آن را لازمه نیک گفتاری می‌داند، اما تشخیص معروف بودن را به مخاطب واگذار می‌کند. در این مورد نکته لطیفی است؛ و آن این‌که، برای هر فرد و در هر شرایطی فکر و اندیشه و نیت کلام متفاوت است و نمی‌توان برای همه نسخه‌ای واحد پیچید و همگان را بدان ملزم نمود. همان کلامی که در مورد شخصی، و در شرایطی، ممکن است معروف باشد، در شرایط دیگر و در مورد فرد دیگری می‌تواند معروف نباشد و یا این‌که شرط بلاغت در جایی بیان اهم امور است و در جای دیگر بیان جزئیات! و تشخیص این موارد و عمل براساس آن همان چیزی است که انسان را به مقام والای اشرف مخلوقات و برتر از ملائک رهنمون می‌شود.

شبکه مفهومی قرآن برای ایجاد و پرورش انضباط گفتاری

هر شبکه مفهومی سیستماتیک و نظام‌مند برای اجرا باید بتواند همه نیازهای فرد را برای دستیابی به هدف تأمین نماید. آنچه هر کس برای رسیدن به اهداف به آن نیازمند است، ابتدا مسائل پایه‌ای و بنیادی آن است که می‌تواند مبنای ذهنی و فکری تلاش او برای رسیدن به هدف قرار گیرد. این مسائل در علوم مختلف با عنوان "مبانی" هر علم شناخته می‌شوند و در آن، دلایل نیاز و لزوم پرداختن به آن علم بیان می‌گردد. پس از آنکه باورهای فرد برای قرار گرفتن در مسیر تقویت شد و انگیزه کافی در او ایجاد شد، سپس چیزهایی که وجود آن‌ها برای شروع در امری ضروری است با عنوان «مقدمات» مورد توجه قرار می‌گیرد. «مقدمات» بیانگر نخستین اقدامات متربی است، پس از آن باید تکلیف‌بایدها و نبایدها را روشن نمود، آنچه برای رسیدن به هدف لازم است و نیز آنچه که مانع از رسیدن به اهداف می‌شود باید مورد توجه قرار داده شود تا تکلیف فرد در مقابل نبایدها به خوبی روشن گردد. پس شناخت موانع نیز برای متربی لازم و ضروری است، عدم شناخت موانع سبب بلاتکلیفی در اموری است که به عنوان الزامات بیان نشده، اما نهی و منعی نیز نسبت به آن صورت نگرفته است.

مبانی

اولین رکن هر نظام مبانی آن است که مبنای فکری و عملی فرد برای دستیابی به اهداف آن نظام قرار می‌گیرد. مبانی جمع مبنا است که در لغت به معانی چندی از جمله: بنیاد، اساس، شالوده و پایه آمده است (البلاغی، ۱۴۲۰: ۶۱۲). مبانی انضباط گفتاری گزاره‌هایی را شامل می‌شود که نقش محوری و پایه‌ای در برانگیختن افراد برای دقت و نظم در گفتار ایفا می‌نمایند. با دقت و تأمل در آیات، آنچه بیش از هر چیز می‌تواند پایه و مبنای نظام انضباط گفتاری قرار گیرد، و در واقع شالوده‌های اصلی آیات برای تشویق و ترغیب به دقت در گفتار و نظم بخشیدن به آن عبارتند از:

حق‌گویی و حق‌خواهی خداوند به عنوان خالق انسان: قرآن کریم با بیان حق‌گویی الله، اصل و اساس نظام هستی را بر حق معرفی نموده و به تخلق به اخلاق الله تشویق می‌نماید. می‌فرماید: **وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ (احزاب، ۴)** و «**قَالَ فَالْحَقُّ وَ الْحَقُّ أَقُولُ**»: خداوند حق است و تنها حق را می‌گوید. مقدم شدن کلمه «الْحَقُّ» بر «أَقُولُ» نشانه آن است که او جز حق نمی‌گوید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۱۳۴) و از انسان‌ها می‌خواهد که همواره حق‌گو باشند: **وَ لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ (النساء، ۱۷۱)**.

ثبت و ضبط گفتار: از آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه اهل بیت (ع) استفاده می‌شود که همه اعمال و حرکات و گفتار و حتی نفس کشیدن‌ها و افکار و نیت‌های انسان در نامه عملش ثبت و ضبط می‌شود و برای حساب قیامت باقی می‌ماند، و هر انسانی در قیامت به کیفر یا پاداش عمل بد یا خوبش خواهد رسید. به جهت اهمیت فراوان گفتار در زندگی انسان قرآن به طور ویژه و به صراحت آن را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «**مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ**» (ق، ۱۸) هیچ کلمه‌ای از دهان انسان خارج نمی‌شود مگر آن‌که ملک مراقب اعمال ثواب و عقاب آن را می‌نویسد (مراغی، بی‌تا، ۲۶: ۱۶۱) و نگاه می‌دارد (طبری، ۱۴۱۲، ۲۶: ۱۵۹ و رازی، ۱۴۲۰، ۱۰: ۲۷۷).

اثرگذاری گفتار: اصل و مبنای اصلی برای توجه به گفتار و سامان دادن آن، تأثیر فوق العاده آن در سرنوشت انسان است. این که فرد بفهمد گفتار او چه اندازه می‌تواند بر سرنوشت او تأثیر داشته باشد؛ می‌تواند تأثیری شگرف در تغییر رویه، و

دقت در گفتار و نظم بخشیدن به آن طبق موازین درست و حساب شده داشته باشد. قرآن نقش زبان در تحولات روحی فرد را اینگونه به تصویر می‌کشد: «وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَأَنَّا بَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (المائدة، ۸۵) هر چند در «بما قالوا» مراد مجرد قول نیست اما قول نیز چون از انسان عاقل و مختار سر می‌زند و از اعمال آدمی محسوب می‌گردد، منشأ اثر است. این آیه خبر از صدق قلب و زبان و اراده آن‌ها برای قدم گذاشتن در این راه است (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۹۶۴). چرا که آنچه بر زبان جاری می‌شود لاجرم از اندیشه و ذهن نشأت گرفته است و خداوند بهشت و نعمتهایش را در عوض این سخن حق و پایبندی بر آن، به گویندگانش ارزانی می‌دارد. این آیه نشان می‌دهد که تحولات عمیق درونی به زبان جاری شده و می‌تواند منشأ تغییرات عمیق در سرنوشت فرد باشد. از نظر قرآن اثرگذاری گفتار به اندازه‌ای است که در قیامت هم شفاعت منوط به رضایت از گفتار آدمی است: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (طه، ۱۰۹) امام باقر(ع) درباره این آیه فرمودند: شفاعت پیامبر(ص) تنها برای کسانی است که از نظر عمل و گفتار مورد رضایت باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۹۱).

مقدمات

دومین رکن هر نظام بیان مقدماتی است که ابتداءً باید مورد توجه فرد قرار گیرد. مقدمات جمع مقدمه است. به معنی کردارهای نخستین و گفتارهای نخستین و چیزهایی که نخست وجود آن‌ها لازم است. چیزهایی که وجود آن‌ها برای شروع امر ضروری است (معین، ۱۳۷۵: ۱۷۲۵۶) قدم‌های اولی که برای دستیابی به اهداف لازم و ضروری است. پس از شکل‌گیری مبانی و ایجاد باور و انگیزه کافی برای سامان دادن به گفتار، برای ورود به وادی انضباط گفتاری ابتدا به اموری ضروری که مقدمه دستیابی به هدف است نیازمندیم. اموری که روح گفتار و بیان ما را به سمت نظمی قابل ملاحظه می‌کشاند. توجه به دسته‌ای از امور و پرهیز از دسته دیگر. قرآن مقدمات نظام گفتاری را در دو بخش سلبی و ایجابی بیان نموده است.

مقدمات ایجابی

ایجاب به معنی فرض کردن و لازم گردانیدن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۲۴) است و مقدمات ایجابی نخستین اقدامات لازم و مورد نیاز برای ایجاد انضباط گفتاری است. مهمترین مقدمات انضباط گفتاری در قرآن عبارتند از:

تفکر پیش از سخن و موقعیت شناسی: این که هر حرفی را در چه زمانی و در چه مکانی بزنیم از مهمترین مقدمات نظام گفتاری قرآن است. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، و بعضی مسائل انقدر بی اهمیت است که هرگز نه جایی و نه مکانی دارد. به فرموده سعدی:

سخن دان پرورده پیر کهن

بیندیشد آنگه بگوید سخن

مزن بی تأمل به گفتار دم

نکوگوی، اگر دیرگویی چه غم

موقعیت شناسی یعنی هر سخنی در جای خود به کار برده شود و در هر شرایطی گفتار متناسب با آن شرایط از انسان سرزند و از کلام نامناسب و بیهوده پرهیز شود. خدای مهربان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (مائده، ۱۰۱) در این آیه خداوند مومنین را مخاطب قرار داده و آن‌ها را از سؤال درباره مسائلی که آشکار شدنش آن‌ها را ناراحت و محزون می کند نهی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۸۷). اموری که ضرورتی در کشف آن‌ها وجود ندارد و چه بسا جواب آن موجب ناراحتی فرد شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۳۵). همچنین سؤال باید برای فهم و دانستن باشد. قرآن در آیات خود صریحاً دستور می دهد که مردم آنچه را نمی دانند از اهل اطلاع پرسند: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳) آیه فوق دو نکته را در دل خود دارد: اول آنکه سؤال برای دانایی باشد و دوم آنکه از دانایان سؤال شود. سؤال برای هر منظوری غیر از دانایی خطاست، و سؤال از غیر دانایان موجب گمراهی است.

تعادل: افراط و تفریط در هر کاری ناپسند است و در زندگی فرد تأثیر منفی می گذارد. تعادل در همه ابعاد زندگی همواره مورد تأکید قرآن است: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ

لِلتَّقْوَى» (مائده، ۸). تا آنجا که گفتار در روابط اجتماعی انسان نقش محوری را ایفا می‌نماید تعادل در گفتار به طور ویژه مد نظر قرآن قرار گرفته و بدان فرا می‌خواند: إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا (انعام، ۱۵۲).

رعایت ادب و احترام در مقام گفتار: قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا» (البقره، ۱۰۴) آیه نشان می‌دهد که اسلام، به انتخاب واژه‌های مناسب، بیان سنجیده و نحوه طرح و ارائه مطلب توجه دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷۴). این که چگونه سخن بگوییم و در سخنان خود چه کلماتی را به کار بریم به میزان بسیار زیادی در تفهیم و تفهم کلام مؤثر است. همواره باید بهترین کلمات را با بهترین لحن انتخاب نمود.

عمل به گفتار: قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ... وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (الأعراف، ۳۳) کَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ (الصف، ۳) آیه می‌خواهد مؤمنین را به خاطر این که بدانچه می‌گویند عمل نمی‌کنند توبیخ کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۴۲۱) این آیه مومنین را از آنکه چیزی بگویند و بدان عمل نکنند باز می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۱۸)

نرم گفتاری: نرم گفتاری مناسب‌ترین تکنیک در سخن گفتن با مخالفان است. اینگونه سخن گفتن مخاطب را بیشتر متاثر می‌کند. خداوند هنگامی که حضرت موسی (ع) و برادرش را به سوی فرعون روانه می‌کرد، فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، ۴۴) لَينَت ضِدَّ خَشَوْنَتِ اسْتِ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۷۵۲). لَينَت کلام سنت اخیار است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۹۴۵). رمز توفیق پیامبر (ص) نیز لَينَت خَلْقٍ وَ خَوِيٍّ وَ كَلَامٍ نَرْمٍ بُوْد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَينَتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظًا لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِك» (آل عمران، ۱۵۹)

– مقدمات سلبي

سلب به معنای رفع و نفی چیزی، از بین بردن و از میان بردن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۵۲) است. مقدمات سلبي نخستین مواردی است که برای دستیابی به انضباط گفتاری باید آن‌ها را رفع نمود و از میان برد.

جهل در گفتار: قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (البقره، ۱۶۹) دعوت به گفتن سخن بدون علم و دلیل، کاری شیطانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۶۳۵) و روشن است که باید از آن پرهیز نمود.

جدل در گفتار: جدل به معنای منازعه و مخاصمه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۲). یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد تفرقه و عداوت بین مردم، جدال است؛ و مکالمات نیز عموماً میدان مناسبی است برای جدال. به همین دلیل قرآن جدال میان انسان‌ها را امری شیطانی معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (انعام، ۱۲۱)

تندی در گفتار: قرآن درباره چگونگی رفتار با والدین می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ» (اسراء، ۲۳) و این اولین مرتبه از مراتب رعایت و ادب است که دلالت بر ضجر و سختی دارد (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۲۲۲). کلمه «اف» انزجار را می‌رساند. آیه می‌خواهد رعایت احترام تام در معاشرت و سخن گفتن با پدر و مادر را بفهماند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۱۰) که البته می‌تواند به عنوان یک دستور گفتاری در ایجاد رابطه حسنه با همه افراد مورد استفاده قرار گیرد.

تکلف در گفتار: نیز از اموری است که برای رسیدن به انضباط گفتاری به ترک آن نیازمندیم. قرآن کریم پیامبر (ص) را اینگونه معرفی می‌کند: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص، ۸۶) من از متکلفین نیستم. سخنانم مقرون به دلیل و منطقی است، و هیچگونه تکلفی در آن وجود ندارد، عباراتم روشن و سخنانم خالی از هرگونه ابهام و پیچیدگی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۵۲). رعایت همه این موارد، در گفتار آدمی روح نظم و انضباط ایجاد می‌نماید و همین روح در مقام سخن جلوه گر شده و کلام انسان را سامان می‌بخشد.

الزامات

سومین رکن هر نظام، الزاماتی است که باید به آن‌ها پایبند بود. الزامات جمع لازمه به معنی وادار کردن، به عهده کسی قرار دادن، لازم گردانیدن، واجب کردن (معین، ۱۳۷۵: ۱۴۲) می‌باشد. در واقع مقدمات، بایسته‌های لازم برای ورود به وادی

انضباط گفتاری است؛ و الزامات آنچه که در مسیر راه برای رسیدن به هدف لازم و ضروری می‌باشد. بدون وجود مقدمات فضای لازم برای تأثیر الزامات فراهم نمی‌گردد. به عنوان مثال بدون رعایت ادب (به عنوان مقدمه) نیکویی گفتار (به عنوان لازمه) رخ نمی‌نماید. به عبارت دیگر سخن نیکو اگر گستاخانه بیان شود هیچ تأثیری نخواهد داشت. مواردی که وجود آن‌ها برای شکل‌گیری نظام انضباط گفتاری لازم و ضروری است عبارتند از:

سدید بودن: سدید از ماده سد، به معنای استقامت و محکم بستن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۰۳) و نیز سالم بودن از فساد است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۶). سدید در تفاسیر موافق با صواب و عدل است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۱). در سوره احزاب آیه ۷۰ و ۷۱ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» طبق این آیه یکی از آثار گفتار سدید، اصلاح اعمال و تطهیر انسان از گناه خواهد بود و این بیانگر تأثیر همه جانبه گفتار بر اعمال و رفتار آدمی است. گفتار هر کس متناسب با میزان هماهنگی‌اش با عقل و فطرت از سداد برخوردار است. هر چه کلام، با عقل و منطق و استدلال بیشتری همراه باشد، میزان استحکام آن بیشتر خواهد بود و هر چه استحکام کلام بیشتر باشد، ثبات و بقاء آن بیشتر خواهد شد.

میسور بودن: قرآن کریم می‌فرماید: «فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِّسُورًا» (اسراء، ۲۸). هر چند این آیه چگونگی رابطه با فقرا را بیان می‌دارد؛ اما در فرمان به میسور بودن کلام صراحت دارد، که می‌تواند الگویی برای چگونگی سخن گفتن در روابط اجتماعی انسان باشد. میسور در لغت به معنای سهل و آسان آمده است (معین و دهخدا، ذیل همین واژه). در تفاسیر نیز به معانی مختلف همچون خیر، معروف، جمیل، و لین تفسیر شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۷۷). یسر نقطه مقابل عسر و تکلف است. خداوند در قرآن پیامبر خویش را از تکلف مبرا دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص، ۸۶) پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «نحن معاشر الانبیاء و الاولیاء برآء من التکلف» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۶۲، حکمت ۱۷۴۹). سهولت همان‌گونه که در افعال جاری است، در کلام نیز قابل اجراست. قرآن، خود

را به این صفت، موصوف کرده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر، ۴۰) سهولت در کلام، عاملی است برای مقبولیت در سخن و لذا قرآن دستور می‌دهد سخن را با آسانی ادا کنید.

معروف بودن: آن گونه که از آیات «أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (بقره، ۲۳۵)، «وَقُلْنَا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲)، «قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء، ۵ و ۸) و «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ» (بقره، ۲۶۳ و محمد، ۲۱) فهمیده می‌شود، یکی از مهمترین آداب سخن آن است که معروف باشد. معروف نامی است برای هر کاری که بواسطه عقل یا شرع، حسنش شناخته شده باشد و در مقابل آن، منکر آن است؛ هر کاری که به واسطه این دو، مورد انکار قرار گرفته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۶۱) در تفسیر التبیان قول معروف به سخن مستقیم، زیبا، بری از تهمت و ربه و موافق دین و اسلام تفسیر شده است (طوسی، بی تا، ج ۸: ۳۳۹) پس کلام متکلم باید از نظر عقل و شرع تحسین شده باشد، زیبا و مستقیم بوده و از گناه به دور باشد.

حَسَن و احسن بودن: حسن در لغت به معنای زیبایی و نیکویی و نقیض قبح است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۳۴) قرآن کریم، با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می‌کند و به مؤمنان دستور می‌دهد با دیگران زیبا سخن گفته، و از به زبان آوردن گفتار زشت و بی‌ادبانه (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳) از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: منظور از «حسنا» این است که چیزی را به مردم بگویند که دوست دارید به شما بگویند، زیرا خداوند مبغوض می‌دارد کسی را که ناسزا می‌گوید و نفرین می‌کند و بر مردم مسلمان طعن می‌زند و از ناسزا گفتن و شنیدن آن باک ندارد و در سؤال، لجاجت و ستیزه می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۷). آن کس که خود را به روش نیکوگفتاری عادت دهد، همواره پیروز است و خود را از سرزنش دیگران برکنار داشته است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۴۲). در آیه دیگر قدمی فراتر گذاشته و می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُبِينًا» (اسراء، ۵۳)، «الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» کلماتی است که احسن و از نظر مشتمل بودن بر ادب و خالی بودن از خشونت و ناسزا و توالی فاسده دیگر،

نیکوتر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۶۲). آنجا سخن از حسن بود و اینجا احسن! خداوند در این آیه به انسان فرمان می‌دهد که به هنگام صحبت کردن نه تنها نیکو سخن بگوید، بلکه از بهترین کلمات و واژه‌ها استفاده نماید حتی به هنگام عصبانیت! حضرت علی (ع) در توضیح کلام احسن فرمودند: «احسن الکلام مازانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۰۴).

کریم بودن: قرآن کریم به فرزندان دستور می‌دهد که در رابطه با پدر و مادر کریمانه سخن بگویند: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳). هر چند تأکید قرآن بر کریم بودن گفتار، در رابطه با پدر و مادر است؛ اما می‌توان این فرمان را به همه روابط و در کل گفتار انسان تسری داد. «قول کریم» یعنی سخن سهل و لین (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۱۴) و به معنای هر آنچه مرضی و مورد پسند است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۱۵۲) می‌باشد. به طور کلی هر چیزی که در باب خودش نوعی شرافت داشته باشد، به کرم متصف می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۱۰). از موارد استعمال این واژه می‌توان چنین استفاده کرد که کرامت به معنای شرافت؛ و بیانگر نوعی ادب برای سخن است. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «اجملوا فی الخطاب تسمعوا جمیل الجواب»، زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۱۷۹۵۲).

بلیغ بودن: بلیغ به معنای کسی است که با زبان آنچه در کنه ضمیر دارد را بیان می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۸). یکی از دستورات قرآن در رابطه با گفتار آدمی قول بلیغ است: «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء، ۶۳) این آیه دلالتی است بر فضل بلاغت (طوسی، بی تا، ج ۳: ۲۴۱). یعنی با مردم به‌گونه‌ای سخن بگو که دل‌هایشان آن را درک کند، و بفهمند چه می‌گویی و خلاصه با زبان دل آنان حرف بزنی تا متوجه شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۶۴۵). از خطاهای آن‌ها چشم‌پوشی کن و با رفیق و مدارا با آن‌ها برخورد کن و به گونه‌ای صحبت کن که در قلب‌های آن‌ها تأثیر گذارد (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۹۶).

حق بودن گفتار: در اصول و مبانی حق بودن خالق و حق خواهی او بیان شد. حق‌گویی نیز دستور قرآن است: «وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» (النساء، ۱۷۱) نه تنها در مورد خداوند بلکه در هیچ شرایطی نباید از حق و حقیقت عدول کرد. سخن حق

به سخنی گفته می‌شود که با واقعیت عینی تطبیق کند، یا اگر یک مطلب قراردادی است هماهنگ با مصالح همه اطراف قضیه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۹۷). هر یک از این موارد به نیکویی کلام و تأثیر آن می‌افزاید. به همین دلیل در ساختار نظام گفتاری قرآن در بخش الزامات نظام جای می‌گیرد.

موانع

چهارمین رکن هر نظام موانعی است که سد راه پیشبرد اهداف نظام می‌گردد. موانع جمع مانع به معنی بازدارنده‌ها (معین، ۱۳۷۵: ۱۶۳۲)، مشکلات بازدارنده از پیشرفت امور، چیزهایی که ممانعت کنند کسی را از کاری، و هر آنچه مانع اجرای کاری گردد را گویند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۲۰). موانع نه تنها از ارکان نظام محسوب می‌شود بلکه از مهمترین ارکان آن می‌باشد، چرا که تا نبایسته‌ها شناخته نشود تکلیف فرد به طور کامل روشن نمی‌گردد. بدون شناخت موانع، فرد ممکن است همه مقدمات و الزامات را فراهم کند، اما از روی ناآگاهی و ناآشنایی، از آنجا که معنی صورت نگرفته، موانع را نیز مرتکب شده و تلاشش بی‌ثمر گردد.

تفاوت موانع با مقدمات سلبی از نوع تفاوت نبایسته‌ها و نبایدهاست. مقدمات سلبی به روح گفتار باز می‌گردد، آنچه نباید در گفتار باشد و لازم است در همه گفتار فرد رعایت گردد. و موانع شکل گفتار است و خود گفتار را هدف قرار می‌دهد. آنجا روح گفتار ناخوشایند است، و اینجا خود گفتار. در مقدمات سلبی کلام نیکو نیز می‌تواند با تندی و خشونت بیان گردد. اما در موانع خود کلام مانع است هر چند به شکلی خوشایند بیان گردد! موانع انضباط گفتاری مواردی است که ارتکاب آن‌ها گفتار فرد را از حالت مفید و مؤثر خارج نموده و مانع دستیابی به اهداف و اغراض حکیمانه گفتار می‌شود.

گفتار گناه آلود: قرآن کریم نهی از قول اثم را یکی از وظایف مهم مسئولان دینی می‌داند: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ» (مائده، ۶۳). اثم در لغت به معنای گناه و انجام عملی است که برای انسان حلال نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵). نهی از قول اثم، شامل هر کلامی که صدورش حرام است می‌شود؛ مثل کذب، غیبت، فحش، سب، لعن، تهمت، سرزنش، زخم زبان، نامی، سعایت، کلمات کفر

آمیز و غیر این‌ها؛ که گفته‌اند معاصی زبان ۲۵ معصیت است و در خبر است که اکثر اهل نار بواسطه زبان است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۱۶). هر گفتاری که به نوعی از آن منع شده و تأثیر منفی در روابط اجتماعی انسان‌ها دارد قول اثم است و از موانع مهم انضباط گفتاری به شمار می‌رود.

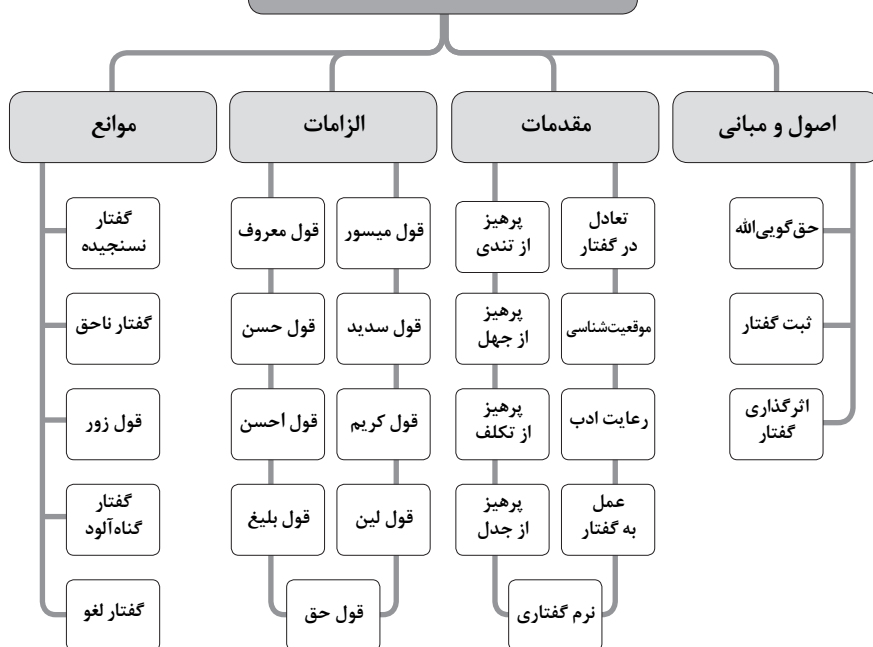
گفتار نسنجیده: قرآن کریم در مقام توجه به گفتار و نهی از سخن نسنجیده می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (النساء، ۹۴). از این آیه چند نکته بسیار ارزشمند برداشت می‌شود که می‌تواند در تعاملات اجتماعی بسیار راهگشا باشد. اول آنکه: خود را ملاک حق و باطل قرار ندهید، اگر کسی هم‌رنگ شما بود را حق، و غیر آن را باطل نشمارید. دوم آنکه: اگر کسی برای دوستی و همراهی شما پیش قدم شد، او را با بدبینی و قضاوت عجولانه و سخن نسنجیده از خود مرانید. سوم آنکه: ملاک در روابط و تعاملات اجتماعی و بلکه در دین و مذهب، ظاهر افراد است، در جستجوی حقیقت ذات و باطن افراد نباشید، خوبی‌های افراد را، حتی اگر ظاهری است، انکار نکنید. و دیگر آنکه قضاوت راجع به نیک و بد افراد تنها مختص خدایی است که از اسرار نهان و آشکار آگاه است. در تعاملات اجتماعی قضاوت را کنار بگذارید و از بدبینی و بدگمانی به شدت بپرهیزید. تفاوت‌های افراد را در نظر گرفته و با همگان رابطه‌ای نیکو برقرار کنید و در نهایت آنکه، نسنجیده و بدون آگاهی و عجولانه سخن نگویید.

گفتار لغو: لغو یعنی بی‌فایده (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۹۴). کلام لغو آن است که قابل اعتنا نباشد. همان سخنی که از روی فکر و تأمل صادر نشود. و گاه به هر کلام قبیحی لغو گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۷۴۲). قرآن یکی از صفات مومنین را اعراض از لغو معرفی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مومنون، ۵۱) در اوصاف اهل بهشت هم آمده است: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا» (نبا، ۳۵) در وصف ایمان آورندگان نیز می‌گوید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» (قصص، ۵۵). از موارد استعمال کلمه لغو در قرآن به دست می‌آید که یکی از آداب سخن آن است که کلام، همراه با نوعی فکر و مقبولیت باشد.

گفتار زور: زور در لغت به معنای دروغ و باطل (مهیار، بی‌تا: ۴۶۵) و نیز کج‌روی

و عدول از حق (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ۱۶۳) است. قرآن کریم انسان را به پرهیز از قول زور فرمان می‌دهد: «اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج، ۳۰). از نظر مفسران مقصود از «الزُّور» دروغ (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۸۹)، سخن باطل و خارج از حد اعتدال (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۹۲ و نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۳: ۱۳۲) و مطلق اقوال باطله و محرّمه (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۹۶) می‌باشد، که باید از آن اجتناب کرد. دروغ مهمترین مصداق قول زور، و پرهیز از دروغ اساسی‌ترین اصل در سامان یافتن گفتار است. دروغ کلید تمام زشتی‌ها و گناهان است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۲۶۳). تهمت، فریب، نفاق و گناهان بسیار دیگر که با واقعیات در ارتباط است همه ریشه در دروغ دارند. دروغ انسان را خوار و خفیف می‌کند و انزجار عمومی می‌آورد. هر یک از این موارد به تنهایی می‌تواند مانعی بزرگ برای دستیابی به انضباط گفتاری باشد. چرا که برای خروج از روح نظم و انضباط یک بی‌انضباطی کافی است.

شبکه مفهومی انضباط گفتاری در قرآن



نمودار ۱. شبکه مفهومی انضباط گفتاری در قرآن

آنچه در شبکه مفهومی فوق مد نظر است، برداشت عمومی و کلی از آیات است. منظور از برداشت عمومی آیات این است که در همه تفاسیر کم و بیش بدان اشاره شده است

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کشف و استخراج ساختار گزاره‌های گفتاری قرآن برای ایجاد نظمی همه جانبه در گفتار، و نیز کاربردی‌سازی مفاهیم اخلاقی قرآن با ارائه مدلی گویا برای آموزش و نیز دستیابی هر چه بهتر به تربیت گفتاری نگاشته شده است. قرآن کریم در قصه‌ها و گفتگوهای قرآنی به ارائه گفتگوهای مختلف پرداخته و بایسته‌ها و نبایسته‌ها را در غالب داستان بیان نموده است. که می‌توان نکات و الگوهای بسیار مهم و کاربردی را برای گفتار مؤثر از آن‌ها استخراج نمود. اما از آنجا که صراحت و شفافیت آیات بیانگر اهمیت و توجه بیشتر خداوند به آن‌هاست؛ این مقاله جهت ارائه الگوی گفتاری قرآن، بر آیات گفتاری تمرکز نموده و با استخراج ۳۲ آیه شاخص از میان تمامی گزاره‌های گفتاری قرآن و تحلیل آنها، به الگویی سیستماتیک برای مدیریت و ساماندهی گفتار دست یافته است. در راستای دستیابی به کشف و استخراج ساختار گزاره‌های گفتاری قرآن و با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که نقطه تمرکز آیات گفتاری قرآن بر سه محور «عقیده»، با فراوانی ۵/۲۲، «فکر» با فراوانی ۵/۳۷ و «عمل» با فراوانی ۵/۴۱، می‌چرخد. با این که به نظر می‌رسد در همه اعمال و کردار انسان تمرکز بر فکر و اندیشه است، اما آمار، تمرکز اصلی گزاره‌های گفتاری قرآن بر عمل را نشان می‌دهد و این به علت نمود ظاهری و بیرونی گفتار است. هر فکری در عالم ذهن و اندیشه تا به عمل نرسد و در ظاهر نمود پیدا نکند برای دیگران قابل مشاهده نیست، و امری کاملاً شخصی و فردی است، کاملاً در اختیار فرد بوده و نمی‌تواند در اجتماع منشأ اثر باشد. همین که فکر عملی شد و در ظاهر نمایان گشت، اثرات خود را به طور گسترده به جای می‌گذارد. اندیشه بد در مورد افراد تا به زبان جاری نگردد و یا در عمل تأثیر نگذارد امری باطنی و شخصی محسوب می‌شود، همین که به مقام عمل رسید می‌تواند سبب ایجاد اختلاف و درگیری‌های بزرگ و غیر قابل برگشت شود. چرا که در اجتماع، ظاهر و عمل فرد

نمایانگر است و همین ظهور، پایه اصلی روابط را تشکیل می‌دهد، هر چند آن نیز از فکر و اندیشه نشأت می‌گیرد. به همین جهت اصلاح ظاهر گفتار از اهمیت بیشتری برخوردار است. پس از عمل، اندیشه فرد از اهمیت بیشتری برخوردار است، فکری که سرچشمه همه اعمال و کردار آدمی است و تنها با اصلاح آن می‌توان اعمال فرد را اصلاح نمود. در نهایت ایدئولوژی و عقاید فرد است که می‌تواند منشأ اثر باشد. اهمیت کمتر باور و عقیده در الگوی گفتاری قرآن به دلیل آن است که تا اراده‌ای محکم و استوار وجود نداشته باشد و تا عقیده به مقام عمل نرسد نمی‌تواند تغییرات قابل ملاحظه‌ای در رفتار فرد ایجاد نماید. چه بسیارند معتقدانی که تنها در عالم ذهن معتقدند و این اعتقاد تنها لقلعه‌ای است بر زبان آن‌ها و یا رؤیایی است در افکار آنها، پس تنها به عمل کار برآید، نه به فکر و نه به باور!

در مرحله سنجش جهت‌گیری آیات، مشخص شد که قرآن کریم با فراوانی ۰/۴۱ بیشتر به جهت ایجابی مسأله توجه نموده است، ایجابی که همان بایسته‌های عملی است. و با نقطه تمرکز آیات کاملاً هماهنگ است. در مرحله بعد جهت‌گیری آیات با فراوانی ۰/۳۸ بر جنبه انگیزشی مسأله تأکید دارد. انگیزه‌ای قوی که مسیر دستیابی به انضباطی در خور را هموار سازد. انگیزه‌ای که فکر و عقیده صحیح را با هم هماهنگ نموده و در جهت سلامت عمل به کار گیرد. جهت سلبی قضیه تنها ۰/۲۱ از سهم جدول فراوانی جهت‌گیری را شامل می‌شود که بیانگر نایسته‌های گفتاری است. این نشان می‌دهد که اگر انگیزه‌ای قوی برای ایجاد انضباط وجود داشته باشد با همان بایسته‌ها تا حدود زیادی می‌توان به گفتار سامان بخشید. به بیان دیگر بایسته‌ها خودبخود نایسته‌ها را مشخص نموده و تکلیف فرد را روشن می‌نماید. و این روشی مثبت نگر در تعلیم و تربیت است؛ که مربی بیش از آن‌که به بیان نایسته‌ها پردازد، باید تکلیف عملی مرتبی را به صورت روشن و شفاف بیان نماید، با روشن شدن بایسته‌ها، نایسته‌ها خودبخود روشن می‌گردد. تنها زمانی باید نبایدها را مطرح نمود که مرتبی دچار سردرگمی شده و یا در عمل مرتکب خطا شده باشد.

در ساختار نظام گفتاری قرآن هر چهار رکن اصلی یک نظام (اصول و مبانی نظری، الزامات، مقدمات، و موانع) به دقت و با ریزبینی و ظرافت مورد توجه قرار گرفته است. ثبت و ضبط گفتار، تأثیر فوق العاده گفتار در سرنوشت آدمی، و حق‌گویی و

حق خواهی خالق، اصول و مبانی نظام گفتاری قرآن را تشکیل می دهند. پرهیز از جدل، گفتار جاهلانیه، پرهیز از تکلف، و تندی در گفتار، موقعیت شناسی، رعایت ادب، عمل به گفتار، تعادل در گفتار و نرم گفتاری مقدمات مورد نیاز برای نظم بخشیدن به گفتار هستند. لازمه انضباط گفتاری در نظام گفتاری قرآن، قول میسور، معروف، سدید، احسن، کریم، لین، بلیغ، و حق می باشد. گفتار نسنجیده، ناحق، زور، و گناه آلود نیز موانع دستیابی به انضباط گفتاری هستند.

توجه به اصول و مبانی، انگیزه‌ای قوی برای مدیریت و سامان دادن گفتار بر طبق اصول در فرد ایجاد می نماید. این انگیزه، به فراهم نمودن مقدمات کمک کرده و راه را برای عمل به الزامات و پرهیز از موانع باز می نماید. و در نهایت با عزمی راسخ و اراده‌ای استوار، نظمی همه جانبه در گفتار ایجاد می شود که نه تنها کلام فرد را اصلاح می نماید، بلکه باعث بهبود روابط میان فردی و ارتباطات اجتماعی می شود.

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های روحی برنسدق (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان اخلاق گفتگو در قرآن و حدیث؛ دیالمه و صالحی متعهد (۱۳۹۳) با عنوان مؤلفه‌های گفتگوی صحیح مبتنی بر گفتگوهای قرآنی؛ صادق زاده قمصری، طلایی، و صالحی متعهد (۱۳۹۳) با عنوان گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن؛ واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن؛ امین پور و امین پور (۱۳۹۲) با عنوان آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن؛ ایروانی (۱۳۸۶) با عنوان آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و حدیث؛ معتمدی محمدآبادی (۱۳۹۷) با عنوان گفتگو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو آیات و روایات کاملاً هماهنگ بوده، نتایج پژوهش‌های پیشین را به کار گرفته، با سایر گزاره‌ها جمع نموده و به شکل الگویی کاملاً منسجم و نظام مند ارائه نموده است. سنجش آماری آیات براساس نیازهای تربیتی آموزش و پرورش و نیز مدل سازی براساس آیات در این پژوهش کاری بدیع و ابتکاری است که مورد توجه هیچیک از پژوهش‌های پیشین قرار نگرفته است.

یافته‌های این پژوهش از دو جهت می تواند الگویی بی نظیر برای نظام آموزش و پرورش باشد. اول برای آموزش و پرورش مربیانی ماهر، کارآمد و توانمند در گفتار؛ دوم برای آموزش در دوره‌های عمومی و رسمی، پرورش دانش آموزانی منضبط در گفتار و موفق در روابط میان فردی و ارتباطات اجتماعی. پیشنهاد می شود نتایج

این پژوهش ابتدا به صورت کامل و منسجم در محتوای دوره‌های ضمن خدمت معلمان قرار گرفته و به شکلی کاملاً کاربردی مفهوم‌سازی شود، تا از رهگذر آن معلمان به عنوان، اول: الگوهای عملی رفتاری دانش‌آموزان، در ارتباطات اجتماعی خود به انضباطی همه جانبه در گفتار دست یابند و دوم: از آنجا که اساس ارتباط با دانش‌آموزان و نیز تدریس بر پایه گفتار است، در گفتگو با دانش‌آموزان و نیز ضمن تدریس از انضباط گفتاری برخوردار باشند. در مرحله بعد برنامه‌ریزان و مؤلفین با آسان‌سازی مفاهیم فوق، متناسب با سطوح مختلف تحصیلی، متون درسی تهیه نموده و به طور سلسله وار در کتب دین و زندگی وارد نمایند تا زمینه عملی‌سازی مفاهیم کاربردی قرآن بیش از پیش فراهم گردد.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که قرآن دریایی است عمیق و گسترده، و درک و فهم معانی والای آن نیازمند سال‌ها تلاش و ممارست در فهم و تدبر آیات آن است، به همین دلیل جمع و احصاء تمامی آیات مرتبط با یک موضوع، به طوری که با اطمینان بتوان گفت همه آیات درباره آن موضوع جمع‌آوری شده است، کاری بس دشوار است. از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به کمبود منابع میان رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی و مشخص نبودن مباحث تربیتی در تفاسیر موجود اشاره نمود. که کار پژوهشگر را برای جستجوی نکات تربیتی آیات دوچندان می‌نماید. به خلاف مباحث عقیدتی، فقهی، اجتماعی و... که به وفور در تفاسیر عنوان‌بندی شده‌اند.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه، (۱۴۱۴ق). گردآورنده سید شریف رضی، محقق صبحی صالح. قم: هجرت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- باردن، لورانس، (۱۳۷۴). تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمنی و ملیحه آشتیانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- البلاغی، محمد جواد، (۱۴۲۰). الاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
- امین پور، فاطمه و امین پور، معصومه، (۱۳۹۲). آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن. ماهنامه معرفت، ۲۲ (۱۸۵)، ۴۳-۵۶.
- ایروانی، جواد، (۱۳۸۶). آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و حدیث. فصلنامه الهیات و حقوق، (۲۵)، ۳-۳۴.
- تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دیالمه، نیکو؛ صالحی متعهد، زهرا، (۱۳۹۳). مؤلفه‌های گفتگوی صحیح مبتنی بر گفتگوهای قرآنی. دوفصلنامه تربیت اسلامی، (۱۹)، ۴۷-۶۶.
- رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دمشق.
- رامپوری، محمد بن جلال الدین، (۱۳۹۳). غیاث اللغات. تهران: امیر کبیر.
- روحی برونق، کاووس، (۱۳۹۷). اخلاق گفتگو در قرآن و حدیث. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۲ (۷۴)، ۵۳-۷۴.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب، (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۵). نگاهی نو به روانشناسی انسان سالم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- صادق زاده قمصری، علیرضا؛ طلائع، ابراهیم و صالحی متعهد، زهرا، (۱۳۹۳). گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن: واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲ (۲۵)، ۱۱۹-۱۴۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷). المیزان. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالرحمن، (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیوی، ریمنون، (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالرحمن نیک گوهر. تهران: فرهنگ معاصر.
- گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸). تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- لوئیس، معلوف، (۱۳۸۷). المنجد فی اللغة و الأدب و العلوم. بی جا.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴). بحار الأنوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- محسنیان زاد، مهدی، (۱۳۹۶). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۲). میزان الحکمه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معتدلی محمدآبادی، مرصیه، (۱۳۹۷). گفت و گو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو آیات و روایات. فصل نامه معرفت، ۲۷ (۲۴۶)، ۲۷-۴۰.
- معین، محمد، (۱۳۷۵). فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهبیار، رضا، (بی تا). فرهنگ ابجدی، بی جا.
- نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامیه.
- نقیسی، علی اکبر، (۱۳۴۳). ناظم الاطباء. تهران: خیام.